





دانشگاه تبریز

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایاننامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

سبک شناسی نثر روزنامه‌ای دوره مشروطه

استاد راهنما

دکتر اسدالله واحد

استاد مشاور

دکتر باقر صدری نیا

کتابخانه مرکزی تبریز
تیمسارک

پژوهشگر

حمیده حرمتی کبلو

۱۳۸۸ / ۴ / ۷

بهمن ۸۷

۱۱۴۳۵۴

سپاس و تشکر :

در بیان سپاسگزاری‌های خود ابتدا در درگاه خداوند متعال سر بر سجده شکر گذارده؛ سپس، در قدردانی از فداکاری‌های بی‌مانند پدر و مادرم، تلاش ناچیز خود را پیشکش حضور آنان می‌کنم. و همچنین سپاس ابدی خود را، به پاس راهنمایی‌های بردبارانه و مهربانی‌های بی‌دریغ جناب آقای دکتر اسدالله واحد، تقدیم حضور ایشان می‌دارم که تا هستم رهین منت ایشان خواهم بود.

و نیز دینی که جناب آقای دکتر باقرصدری‌نیا، استاد مشاور رساله، در مساعدت‌ها، ارشادها و تأمین برخی از منابع این پایان‌نامه، برگردن این بنده حقیر دارند، و رای حد تقریر است؛ از خداوند منان برای این دو بزرگوار، طول عمر با عزت خواستارم.

و همینطور از تمام اساتید بزرگوار خود، جناب آقای دکتر محمد مهدی پور، دکتر میرجلیل‌اکرمی، دکتر خلیل حدیدی، دکتر امین پاشا اجلالی، دکتر بهمن سرکاراتی، دکتر چنگیز مولایی، دکتر محمدرضا اسدی، دکتر معصومه معدن‌کن، دکتر منیره پویای ایرانی و دکتر سکینه رسمی سپاسگزاری کرده، امیدوارم که امانتدار خوبی برای ودیعه علمی‌ای باشم که از آنها به یادگار دارم.

نام خانوادگی دانشجو : حرمتی کبلو	نام : حمیده
عنوان پایان نامه : سبک شناسی نثر روزنامه‌ای دوره مشروطه	
استاد (استادان) راهنما : دکتر اسدالله واحد	
استاد (استادان) مشاور: دکتر باقر صدری‌نیا	
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : زبان و ادبیات فارسی گرایش : محض دانشگاه : تبریز	
دانشکده : ادبیات فارسی و زبانهای خارجی تاریخ فارغ‌التحصیلی : بهمن ۸۷ تعداد صفحه : ۳۴۳	
کلید واژه‌ها :	
مشروطه - روزنامه - سبک شناسی - نثر	
چکیده :	
<p>رویداد مشروطه و به تبع آن دگرگونیهای ایجاد شده در سیاست و فرهنگ و ادب ایران؛ به عنوان یک پدیده بدیع و نو، سبک جدیدی را در تمام ارکان جامعه به دنبال داشت که بازتاب این سبک جدید و دگرگونیها (در تمام ابعاد آن)، بیش از هر عرصه دیگر، در روزنامه‌ها منعکس شد.</p> <p>در این عصر، نویسندگان، شاعران و تمام صاحبان قلم و فکر در جهت رسیدن به یک هدف مشترک، با یک زبان مشترک و در یک محدوده عرضیه یکسان، یعنی روزنامه‌ها به ارائه آثار خود پرداختند.</p> <p>بنابراین رساله حاضر با گزینش روزنامه‌ها، در این مقطع از تاریخ به عنوان چهره مصور این عصر؛ به بررسی سبک شناسی نثر روزنامه‌ای عصر مشروطه می‌پردازد. در راستای هدف فوق، متن رساله به هفت فصل تقسیم می‌شود که هر فصل نیز شامل سه سطح زبانی، فکری و ادبی است.</p> <p>مطالب مندرج در بخشهای تمامی فصول حاصل مطالعه و مستقیم پژوهشگر از متون روزنامه‌ها بوده است و تمامی موارد ذکر گردیده با شاهد مثال، مستند شده است.</p> <p>در پایان نتایج بر آمده از فصول و بخشهای مختلف رساله، تحت عنوان « نتیجه‌گیری » درج گردیده است.</p>	

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده فارسی

مقدمه ۱

فصل اول : اختر

سطح زبانی ۱۴

سطح لغوی ۱۴

اسم ۱۷

صفت ۲۲

فعل ۲۵

حرف ۳۷

قید ۴۲

شبه جمله ۴۴

مصدر ۴۴

سطح نحوی ۴۵

سطح فکری ۵۱

سطح ادبی ۵۹

نتیجه ۶۴

فصل دوم : قانون

سطح زبانی ۶۷

سطح لغوی ۶۷

اسم ۶۸

صفت ۷۳

فعل ۷۷

حرف	۸۳
قید	۸۷
شبه جمله	۸۹
مصدر	۸۹
سطح نحوی	۹۰
سطح فکری	۹۵
سطح ادبی	۱۰۲
نتیجه	۱۰۳

فصل سوم : حبل المتین

سطح زبانی	۱۰۶
سطح لغوی	۱۰۶
اسم	۱۰۸
صفت	۱۱۳
فعل	۱۱۷
قید	۱۲۷
شبه جمله	۱۲۹
حرف	۱۳۰
سطح نحوی	۱۳۴
سطح فکری	۱۳۸
سطح ادبی	۱۴۴
نتیجه	۱۴۸

فصل چهارم : تمدن

سطح زبانی	۱۵۱
-----------	-----

۱۵۱	سطح لغوی
۱۵۲	اسم
۱۵۶	صفت
۱۵۹	فعل
۱۷۳	قید
۱۷۴	شبه جمله
۱۷۵	حرف
۱۷۸	مصدر
۱۷۹	سطح نحوی
۱۸۳	سطح فکری
۱۸۸	سطح ادبی
۱۸۸	نتیجه

فصل پنجم : صوراسرافیل

۱۹۳	سطح زبانی
۱۹۳	سطح لغوی
۱۹۴	اسم
۲۰۰	صفت
۲۰۲	فعل
۲۱۶	قید
۲۱۹	حرف
۲۱۹	شبه جمله
۲۲۴	مصدر
۲۲۴	سطح نحوی
۲۳۰	سطح فکری

۲۴۵ سطح ادبی

۲۵۳ نتیجه

فصل ششم : یومیه

۲۵۶ سطح زبانی

۲۵۶ سطح لغوی

۲۵۷ اسم

۲۶۱ صفت

۲۶۴ فعل

۲۷۴ قید

۲۷۶ شبه جمله

۲۷۷ حرف

۲۸۰ مصدر

۲۸۱ سطح نحوی

۲۸۵ سطح فکری

۲۹۰ سطح ادبی

۲۹۱ نتیجه

فصل هفتم : تربیت

۲۹۵ سطح زبانی

۲۹۵ سطح لغوی

۲۹۵ اسم

۲۹۹ صفت

۳۰۲ فعل

۳۱۳ قید

شبه جمله	۳۱۵
حرف	۳۱۵
مصدر	۳۱۸
سطح نحوی	۳۱۸
سطح فکری	۳۲۵
سطح ادبی	۳۳۱
نتیجه	۳۳۶
منابع	۳۴۰

چکیده لاتین

مقدمه

عصر مشروطه و انقلاب این دوره همانگونه که یک پدیده عظیم سیاسی و اجتماعی در ایران بود، بی شک انقلاب و دگرگونی بزرگی نیز در زمینه ادب و فرهنگ این سرزمین محسوب می‌گردد؛ از آنجا که هر دگرگونی و پدیده نوی بیانگر نوعی از سبک است، (عبادیان، ۱۳۷۲، ص ۹) مشروطه و دگرگونیهای که به تبع آن به وجود آمدند نیز، بدون تردید ایجاد کننده سبک جدیدی در صحنه ادبیات ایران بودند. چون «امروزه در سبک دوره‌ای در ادب، زمانی سخن تواند بود که نویسندگان و شاعران چندی، در شکل بخشی، استحکام و دوام آن سهیم باشند. (همان، ص ۲۸) روزنامه‌ها، در معنی تاریخ مکتوب این عصر؛ به عنوان تنها جایگاه عرضه آثار نویسندگان و شاعران آن دوره به طور مداوم، بهترین و رساترین عرصه بررسی چگونگی سبک آن دوره به شمار می‌روند.

در این دوره (مشروطه و پیش از آن)، روزنامه‌ها همواره وجدان بیدار جامعه بودند؛ که با وجود همه محدودیت‌ها، به حق باید آنها را منادیان آرمانها و ارزشهای مدفون بشری دانست.

علاوه بر اهداف سیاسی و اجتماعی روزنامه‌های آن عصر که پیوسته آن‌ها را رابط معتمد میان دو کفه جامعه مشروطه؛ یعنی ملت و دولت ساخته بود می‌توان به دیگر رسالت بزرگ روزنامه‌ها به عنوان تاریخ مکتوب مشروطه، یعنی خارج ساختن ادبیات از محدوده کتابهای ثقیل و سنگین ادبی و علمی و رساندن زبان نوشتاری فارسی به یک تعادل زبانی عامه فهم اشاره داشت؛ که به نظر بسیاری از دانشمندان و ادبای شرق و غرب به عنوان شاخه‌ای از ادبیات متشور با نام «ادبیات روزنامه‌ای» شایسته تأمل و تفکر بیشتر است.

در اینجا با تناسب بحث، ذکر مختصری از تاریخچه انتشار نخستین روزنامه‌ها در جهان و ایران ضروری می‌نماید.

تاریخچه روزنامه در جهان و ایران:

«روزنامه» در مفهوم امروزی خود عبارت از نشریه‌ای است؛ که به صورت مرتب و اغلب با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، ادبی و هنری و... انتشار می‌یابد.

آشنایی ایرانیان با این واژه، ریشه در ادوار گذشته دارد؛ چنان که در بسیاری از کتب پیشینیان از جمله «یتیمه الدهر» ثعالبی و «معجم الادباء» حموی به لفظ «روزنامه» که صورت معرب آن «روزنامج» و «روزنامهجه» است اشاراتی شده است (طباطبائی، ۱۳۶۶، ص ۱۴) البته در مفهومی کاملاً متفاوت با مفهوم امروزی؛ و آن عبارت بوده است از دفتر ثبت اعمال روزانه درباریان. (نخجوانی، ۱۳۴۲، ص ۱) در کتاب کلیله و دمنه نیز برای واژه روزنامه در مفهوم فوق می توان نمونه هایی یافت؛ نظیر:

- در تدارک کار ایشان رسوم لشکرکشی و آداب سپاه آرائی از نوعی تقدیم فرمود که روزنامه سعادت باسم وصیت آن مؤرخ گشت. «روزنامه: کتابی که در آن روز بروز مطالبی قید و ثبت شود و وقایعی یادداشت کنند.» (مینوی، ۱۳۸۱، ص ۱۰)

و اما نخستین بار در جهان در قلمرو امپراطوری «ژول سزار رومی» بود که روزنامه ای موسوم به «آکتاسناتوس» انتشار یافت؛ این روزنامه شامل مذكرات مجلس سنا بود. (جنیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۰)

در سال ۱۴۴۸ در «ماینس» آلمان نخستین روزنامه های ادواری جهان تحت عنوان «آلماناکس» منتشر گردیدند و پس از آن در فاصله سالهای ۱۴۴۸ تا ۱۷۰۳ بسیاری از کشورهای جهان همچون انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و روسیه نیز برای نخستین بار صاحب روزنامه شدند. (پیرو فراندو، ۱۳۶۳، ص ۱۶، ۱۷)

روزنامه های نخستین برای چاپ شماره های خود، بدلیل مشکلات صنعت چاپ اغلب از نظم زمانی خاصی پیروی نمی کردند و مضامین آنها نیز بیشتر حوادث عجیب و شگفت انگیز و اخبار خاندان های اشرافی بود. (صالحیار، ۱۳۳۵، ص ۱۹)

انتشار روزنامه به زبان فارسی نخستین بار از سرزمین هند آغاز گردید؛ با گسترش حکومت مسلمانان بواسط لشکر کشی های سلطان محمود، زبان فارسی، زبان فرهنگی و درباری هند گردید.

نخستین روزنامه های هند موسوم به «اخبارات» نیز در واقع صورت تحول یافته، «واقع نویسی» یا «واقع نگاری» معمول دربارهای ایران بوده است. (کهن، ج ۱، ۱۳۶۰، ص ۱۰ تا ۱۵)

با استعمار هند به دست انگلیسها، اگر چه زبان فارسی رسمیت خود را از دست داده بود؛ اما بسیاری از روزنامه ها هنوز یک ستون از صفحات خود را به زبان فارسی اختصاص می دادند؛ تا به

سال ۱۸۱۰ که در «کلکته» نخستین روزنامه مستقل فارسی زبان انتشار یافت. پس از آن روزنامه‌های فارسی زبان بسیاری چون «مراه‌الخبار»، «شمس‌الخبار»، «اخبار کارام پور» و «سماچار سوراج اندر» و... به چاپ رسیدند. (پروین، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶ تا ۶۵).

روزنامه نویسی به زبان فارسی و در داخل مرزهای ایران از سده نوزدهم آغاز گردید؛ که باید آن را از بارزترین ثمرات و نتایج فعالیت‌های تجدد خواهانه «عباس میرزا» و «قائم مقام فراهانی» دانست. «میرزا صالح شیرازی» پسر «حاجی باقر خان» یکی از نخستین دانشجویهای اعزامی ایران به خارج از کشور بود که در طول اقامت خود به مدت سه سال و نه ماه و بیست روز در انگلیس توانست علاوه بر یادگیری زبان انگلیسی و فرانسه با فنون و علمی چون صنعت چاپ و مرکب سازی آشنا گردد. (میرزا صالح، ۱۳۴۶)

و پس از بازگشت، طلیعه نخستین روزنامه ایران «کاغذ اخبار» را در رمضان ۱۲۵۲. ق در تبریز منتشر کرد. (پروین، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹)

متن زیر بخشی از این طلیعه است.

«اعلام نامه ایست که جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکر مینماید. برای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه‌ی اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا بحسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطلباعه ثبت و باطراف و اکناف فرستاده خواهد شد... (کهن، ج ۱، ۱۳۶۰، ص ۱۴)

پس از حدود سه ماه از انتشار طلیعه فوق «میرزا صالح» نخستین روزنامه ایران، «کاغذ اخبار» را در ۲۵ محرم ۱۲۵۳ منتشر ساخت که انتشار آن به صورت ماهیانه، با چاپ سنگی و در قطع ۲۴×۴۰ در دو صفحه یک ستونی، .. تا سال ۱۲۵۶. ق ادامه داشت. (پروین، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹). رونوشت شماره ۱۲۵۳ محرم کاغذ اخبار در مجله «سلطنتی آسیای لندن» و دو نسخه اصلی از شماره ربیع‌الثانی و جمادی‌الاولی، ۱۲۵۳. ه. ق در موزه «بریتانیا» موجود است. (کهن، ج ۱، ۱۳۶۰، ص ۱۸ تا ۱۹)

دومین روزنامه ایران و اولین روزنامه به زبان غیر رسمی کشور، روزنامه «زاهیردباهرا» به زبان آسوری و به معنی «پرتو روشنایی» بود؛ که در نوامبر ۱۸۴۹، نخستین شماره آن منتشر شد و تا ۶۹ سال ادامه یافت. (پروین، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵ و ۱۳۶)

روزنامه «روزنامه‌چه اخبار دارالخلافة طهران» عنوان روزنامه بعدی است که در پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ به سرپرستی «میرزا تقی‌خان امیرکبیر» و با همکاری «میرزا جبار تذکره‌چی» به عنوان سر دبیر و «ادوارد برجیس» انگلیسی در سمت مترجم و مسئول مالی منتشر گردید؛ نام روزنامه از شماره دوم به «وقایع اتفاقیه» تغییر یافته و انتشار آن به مدت ده سال و تا شماره ۴۷۱ با همین عنوان ادامه داشته است. (کهن، ج ۱، ۱۳۶۰، ص ۳۰ تا ۳۴)

همان‌گونه که از مفاد و معنی نخستین سطور طلیعه «کاغذ اخبار» بر می‌آید؛ «روزنامه» در ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان در دامان دولت متولد گردید و تحت نظارت مستقیم دولت بوده است. به عبارت بهتر تولد سانسور در ایران همزمان با آغاز به کار مطبوعات بوده است.

«وقایع اتفاقیه» نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چون بسیاری از مطالب آن مربوط به امور دولتی و تحت نظارت دولت بوده؛ از محبوبیت چندانی برخوردار نبوده است؛ تا بحدی که امیر کبیر، کارمندان و کارکنان دولت را، ملزم به خرید «وقایع اتفاقیه» ساخته بود. (همان، ۳۱ تا ۳۲)

اما ناگفته نماند که سانسور در ایران از زمان ناصرالدین‌شاه رسمیت یافت و «اداره مطبوعات دولتی» به سال ۱۲۸۰ به دستور وی و ریاست صنیع‌الملک «اعتمادالسلطنه» تأسیس شد و نخستین «قانون ممیزی مطبوعات ایران» در سال ۱۲۹۲.ه.ق توسط «کنت دو مونت فرت» ایتالیایی تنظیم گردید. (همان، ص ۹۸ تا ۱۰۰)

همزمان با وقایع اتفاقیه در ایران روزنامه‌ای بدون سانسور، به سرپرستی «ادوارد برجیس» به چاپ می‌رسیده است؛ که همسر وزیر مختار انگلیس، در خاطرات خود بدان اشاره می‌کند و می‌نویسد که این روزنامه، بدون سانسور و متضمن مسائل سیاسی-اجتماعی اروپا و مملکت ایران بوده است. (همان ص ۳۴)

اما نخستین روزنامه به زبان فارسی خارج از پایتخت، «روزنامه ملّتی» یا «آذربایجان» در شهر تبریز بود که از سال ۱۲۷۵ آغاز و تا ۱۲۷۸ ادامه داشته است. (پروین، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸)

از شماره ۴۷۲، روزنامه «وقایع اتفاقیه» به سرپرستی «میرزا ابوالحسن خان غفاری» با عنوان «روزنامه دولت علیه ایران» به صورت مصور تا سال ۱۲۸۳ ادامه داشت که در آن سال به دستور «ناصرالدین شاه» روزنامه فوق به چهار روزنامه، تحت عناوین «روزنامه دولتی بی تصویر» «روزنامه ملّتی»، «روزنامه مصوردولتی» و «روزنامه علمی» تجزیه گشت که «روزنامه دولتی» با حفظ شماره مسلسل ادامه روزنامه «دولت علیه ایران» بود. (طباطبائی، ۱۳۶۶، ص ۳۱)

«ایران» عنوان روزنامه‌ای دیگر است، که «محمدحسن خان» ملقب به «صنیع الدوله» در سال ۱۲۸۸ آن را بنیان نهاد؛ این روزنامه، به چاپ آثار نویسندگان بزرگ ایران و اروپا که از زمان «روزنامه دولتی» متداول گشته بود مبادرت می‌ورزید که کتاب «تاریخ اصفهان مهدی‌ارباب» پدر «میرزا محمدحسین فروغی» را به صورت پاورقی منتشر ساخت. (همان، ص ۳۳)

روزنامه‌های «نظامی» و «علمی» دو روزنامه دیگری هستند که به فاصله یک ماه و به همت «میرزا حسین خان مشیرالدوله» (سپهسالار)، به شمار مطبوعات ایران پیوستند؛ که روزنامه «نظامی» با اعلام قید عدم دولتی بودن و تشکیل هیأت تحریری و پذیرش مقالات مردم، تحول شگرفی را در روزنامه‌نگاری ایران موجب گردید. (کهن، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۸۸)

روزنامه «وطن» یا «لاپاتری» عنوان روزنامه ناکامی است که در ۵ فوریه ۱۸۷۶ اولین و آخرین شماره آن توسط «بارون نرمان» مهندس بلژیکی، به چاپ رسید؛ اما تداوم آن به سبب نارضایتی «ناصرالدین شاه» از مطالب مندرج روزنامه متوقف گردید. (طباطبائی، ۱۳۶۶، ص ۳۶)

در ترتیب زمانی چاپ روزنامه‌های پیش از مشروطه، روزنامه بعدی «وقایع عدلیه» است که توسط سپهسالار در ۱۷ ذیحجه ۱۲۸۷ ه. ق انتشار یافت. «میرزا یوسف خان» مستشارالدوله نیز در چاپ این روزنامه با وی همکاری داشت. (کهن، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۶۵)

از دیگر نقاط شایان ذکر این است، که هیچ کدام از نویسندگان و روزنامه‌نگاران این دوره (پیش از مشروطه) تحت تعلیم مدرسه‌ای خاص قرار نگرفته بودند و تنها از طریق ممارست در روزنامه‌خوانی، مهارت روزنامه‌نگاری را کسب کرده بودند. (طباطبائی، ۱۳۶۶، ص ۵۹)

استاد «محیط طباطبایی» در کتاب «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران» می‌نویسد: «از آن برجیس صاحبی که در دوره «عباس میرزا» برای خدمت فنی در نظام جدید آمده بود... تا مدیر «روح القدس» دوره مشروطه که طلبه‌ای خراسانی بود؛ به یاد ندارم در این فاصله طولانی یکتن خود را، در خارج برای تعهد خدمت مطبوعات از حیث علم و عمل آماده کرده باشد.» (همان ص ۵۷ و ۵۸)

نویسندگان و روشنفکرانِ آزادیخواه خارج از مرزهای ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند؛ این گروه از نویسندگان با افزایش خفقان عهد ناصری چاره را در مهاجرت به خارج از مرزهای ایران دیده و به سرزمینهای عثمانی و کشورهای عربی همسایه رفتند؛ روزنامه‌های «اختر»، «جبل‌المتین»، «حکمت» و «قانون»؛ حاصلِ فعالیت‌های آزادیخواهانه آنان در «استانبول»، «کلکته»، «قاهره» و «لندن» هستند.

از دیگر روزنامه‌های این دوره می‌توان به «اطلاع» در سال ۱۲۹۸ و «دانش» در سال ۱۲۹۹ اشاره داشت. (همان، ص ۴۰) در دوران قبل از مشروطه علاوه بر شهر تهران (دارالخلافت)، شهرهای دیگری نیز چون شیراز، اصفهان، تبریز و ارومیه صاحب روزنامه بودند که در این میان «تبریز» به عنوان کانون اصلی مشروطیت، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است.

پس از انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان خارج از پایتخت، موسوم به «آذربایجان» در سال ۱۲۷۵، در تبریز شمار زیادی از روزنامه‌ها به منصفی ظهور رسیدند؛ که از میان آنها می‌توان، به روزنامه‌هایی چون تبریز ۱۲۹۷، ناصری ۱۳۱۱، الحدید ۱۳۱۵، احتیاج ۱۳۱۶، ادب ۱۳۱۶، معرفت ۱۳۱۹، گنجینه فنون ۱۳۲۰، حدید ۱۳۲۲؛ تا اعلام فرمان مشروطیت در این شهر نام برد. (نخجوانی، ۱۳۴۲، ص ۲ و ۳)

روزنامه‌های عصر مشروطه:

پیش از پرداختن به روزنامه‌های عصر مشروطه در نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران باید گفت؛ گسترش نظام‌های صنعتی، آموزشی و اقتصادی کشورهای غربی در سده نوزدهم، آنها را به چنان قدرت بی‌سابقه‌ای در جهان رسانیده بود که بر سر استعمار کشورهای عقب مانده آسیایی با یکدیگر به رقابت برخاستند. این سالها، مقارن با سالهای حکومت «آقا محمدخان قاجار» در ایران بود. در ادامه رقابتهای کشورهای استعمارگر ایران زمان «فتحعلی‌شاه» عرصه کشمکش انگلیس و فرانسه و روسیه گردید و طی دو معاهده گلستان (شوال ۱۲۴۴.ق) و ترکمانچای (شعبان ۱۲۴۳.ق) بخشهای عمده‌ای از ایران جدا شد؛ این وضع نابسامان در زمان «محمدشاه» و «ناصرالدین‌شاه» نیز ادامه داشت. سفرهای «ناصرالدین‌شاه» به اروپا، اصلاحات دوران حکومت وی روی کار آمدن مردان کاردانی چون «امیرکبیر» اگر چه موجبات پیشرفت نسبی ایران را فراهم ساخت؛ اما حقیقت این بود که، حکومت وی چندان تفاوتی با حکومت پدران وی نداشت و آزادیخواهان و روشنفکران، مجالی برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش در ایران نداشتند و بالاجبار خارج از مرزهای ایران را برای اقامت و فعالیت خود بر می‌گزیدند.

شدت خودخواهی‌های «ناصرالدین‌شاه» به حدی بود که حتی از مسافرت شاهزادگان، به خارج از کشور نیز خودداری می‌کرد. (ملک‌مخبر، ۱۳۶۹، ش. ۱۰، ص ۳)

خفقان عهد ناصری و کنترل روزنامه‌های چاپ شده توسط دولت یکی از بزرگترین عوامل ایجاد و چاپ شب‌نامه‌ها در آن زمان بوده است، شب‌نامه‌نویسی که از زمان انحصار توتون و تنباکو در ایران آغاز گردیده بود در اواخر عهده «ناصرالدین‌شاه» به اوج خود رسید. (ذاکر حسین، ۱۳۶۸، ص ۴۷)

ورود روزنامه‌های چاپ شده در خارج از کشور؛ اگر چه توسط «عین‌الدوله» در زمان پادشاهی «مظفرالدین‌شاه» ممنوع گردیده بود و دوران تاریک صدارت وی بعد از «امین‌السلطان» عرصه را هر چه بیشتر تنگ کرده بود؛ اما سهم این روزنامه‌ها در بیداری ارزشهایی چون آزادی (در معنی

جدید آن، میهن پرستی، عشق به مام وطن و... و بارور کردن نهال مشروطیت در دل ملت ایران را نمی‌توان انکار کرد.

در دوران حکومت «مظفرالدین شاه» نه تنها گامی در جهت پیشبرد توسعه و پیشرفت کشور برداشته نشد؛ بلکه وضع نامطلوب داخلی، وام روس‌ها، خزانه خالی کشور، واگذاری امور گمرک به بلژیکی‌ها، موجبات نارضایتی بیشتر را در کشور فراهم ساخت. (همان ص ۴۶)

سرانجام اوضاع نابسامان داخلی، فعالیت‌های آزادیخواهان و روشنفکران، نارضایتی ملت و علماء دینی موجب شد که در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت از طرف «مظفرالدین شاه» صادر و ایران مشروطه گردد.

پس از اعلان فرمان مشروطیت، در سایه آزادی‌های نسبی فراهم شده؛ در چاپ جراید تحول عظیمی رخ داد و تعداد روزنامه‌های منتشر شده ایران، به شمار قابل توجهی افزایش یافت؛ و تا کودتای مجلس در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ روزنامه‌های زیادی که نخستین آنها «مجلس» بود پا به عرصه ظهور گذاشتند؛ که از میان آنها می‌توان به ندای وطن، ندای اسلام، کلید سیاسی، کشکول مساوات، تمدن، صبح صادق، حی علی الفلاح، صراط مستقیم، روح القدس، روح الامین، کوکب درّی، نیراعظم... تدین، اتحاد، گلستان، سعادت، قاسم‌الانبار، صور اسرافیل، حبل‌المتین تهران... اشاره داشت. (آرین پور، ۱۳۵۰، ص ۲۱ و ۲۲)

روزنامه‌های این دوره در واقع صورت مکتوب انقلاب مشروطه ایران بودند، بی‌غرضی نویسندگان جراید و مردمی بودن آنها نیز موجب گردیده بود که به شدت برافکار مردم تسلط یافته و در جهت دهی به افکار ملت سهم عمده‌ای را ایفا دارند. چهره سیاسی آشکار روزنامه‌های عصر مشروطه، زبان صریح، تند و بی‌پروای روزنامه‌ها، تفاوت عمده‌ای با روزنامه‌های پیش از مشروطه پیدا کرده بود که عمده هدف رساله حاضر جستجوی این تفاوت‌ها است.

روش کار در تحقیق:

در راستای هدف فوق‌الذکر دو روزنامه «قانون» و «اختر» به عنوان روزنامه‌های پیش از مشروطه و روزنامه‌های «صبح صادق»، «تمدن»، «حبل‌المتین»، «صوراسرافیل» و «تربیت» به عنوان نمونه‌هایی از روزنامه‌های عصر مشروطه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

شایان ذکر است که انتخاب روزنامه‌ها براساس اهمیت و محبوبیت آنها در میان مردم آن عصر و برجستگی سطح فکری نویسندگان صاحب فکر و قلم آنان و البته دسترسی پژوهشگر رساله، به روزنامه‌های آن دوره بوده است.

پیش از ذکر هر نکته، ذکر این مهم ضروری می‌نماید که علم سبک‌شناسی از جمله بخش‌های مهجور ادبیات فارسی است که منابع موجود در این زمینه به پژوهش‌های عده قلیلی از ادبا و دانشمندان ادب فارسی محدود می‌گردد؛ چنانچه در موضوع مورد بررسی رساله جز چند مقاله محدود نمی‌توان به منابع جامعی اشاره داشت؛ که نبود منابع کامل و جامع اهمیت توجه به این علم و بررسی آن را در ادوار مختلف ادب فارسی بویژه این عصر (مشروطه)، به عنوان نقطه عطف در گذر ادب فارسی از اقلیت به اکثریت و از سنت به مدرنیته بیش از پیش آشکار می‌سازد.

امید است که این رساله با پاسخگویی به سؤالاتی نظیر اینکه: آیا این روزنامه‌ها را می‌توان جزء متون ادبی محسوب کرد یا نه؟ آیا تلاش نویسندگان این روزنامه بیشتر در جهت سره نویسی است یا ساده‌نویسی؟ آیا این گرایش‌ها آگاهانه و با اقتباس از نمونه‌های موجود در سبک‌های کهن بوده است یا به اقتضای زمان و پیش آمد شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن عصر؛ بتواند گوشه‌ای از خلاءهای موجود را پر کند. واضح است که نتایج بر آمده و پاسخ به سؤالات فوق در بخش محدودی که در حوصله زمان رساله بگنجد خلاصه می‌گردد. این بخش محدود، شامل بیست شماره از هر کدام از روزنامه‌های فوق‌الذکر می‌شود؛ که پس از مراحل مطالعه، تهیه فیش و تدوین در هفت فصل جداگانه، تنظیم شده‌اند و هر فصل نیز متشکل از سه بخش زبانی، فکری، ادبی است.

لازم به ذکر است در سطح لغوی از زیر مجموعه سطح زبانی کتاب دستور زبان « دکتر خیام‌پور » و در بخش سطح ادبی کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی استاد جلال‌الدین همایی به عنوان ملاک اصلی رساله مد نظر بوده است.

سطح زبانی و فکری از اجزاء ثابت تمامی فصول هستند اما در خصوص سطح ادبی باید گفت که جستجو و پژوهش در سطح آوایی و سطح ادبی (که شامل بدیع لفظی و معنوی است) زبان نوشتاری روزنامه‌های سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه که فرسنگها از زبان مسجع و مزین قرون گذشته فاصله گرفته و به زبان ساده عوام مردم نزدیک شده‌اند دور از واقع می‌نماید؛ بنابراین در جهت جبران این خلاء، بررسی نمونه‌های نظم مندرج در محدوده مورد بررسی روزنامه‌ها در این بخش یعنی «سطح ادبی» گنجانده شده است.

از دیگر نکات مهم لازم به ذکر این نکته است که هدف این پژوهش بررسی علم سبک‌شناسی در شاخه دوره‌ای آن بوده و پرداختن به سبک‌شناسی مقاله‌های نویسندگان مختلف این روزنامه‌ها، خارج از محدوده مشخص آن است؛ بنابراین نتایج به دست آمده به کل آثار نویسندگان این دوره تعمیم داده شده است. رساله حاضر، رساله‌ای استنباطی است که جزء جزء تمامی بخشهای آن اعم از زبانی و فکری و ادبی، تنها حاصل تحقیق مستقیم از متن روزنامه‌ها بوده، بنابراین استفاده مستقیم از منابع مندرج در فهرست منابع رساله امکان ناپذیر بوده است و پژوهشگر رساله هر یک از منابع فوق‌الذکر را در جهت شفاف‌سازی و آشنایی با موضوع رساله و جهت دهی به یافته‌های خود یک به یک مورد مطالعه قرار داده است؛ و عدم ذکر منابع مورد استفاده رساله به صورت مستقیم در متن پایان‌نامه، دلیل بر تطویل بیهوده فهرست مذکور نیست.

نکته پایانی اینکه، به دلیل چاپ نمونه مثالهای مأخوذ از روزنامه‌ها به رسم الخط خود آنها؛ که مسلماً در قواعد درست نویسی و اغلاط املائی به کار رفته در آنان؛ جای سخن فراوانی است، مشکلاتی در تایپ و خواندن مثالهای فوق‌الذکر مشاهده خواهد شد که خارج از دایره مسئولیت پژوهشگر رساله است.

فصل اول

اختر